دیباچه بر فلسفه وجود

شفیعی، محمد

همزمان با شکفتن غنچه‏های بهاری بوستان پهناور فلسفه نیز که بدست باغبانان‏ کنجکاو و دانشمند آبیاری میشود یک شاخهء گل جدید ببازار کاسد علاقمندان بهنر اصیل فلسفه‏ عرضه کرده است.این شاخه گل زیبا(دیباچه بر فلسفه وجود)و آن باغبان کنجکاو و دانشمند دکتر محمود رضای الهی است که علاوه‏بر تحصیلات عمیق فلسفی در ایران حدود ده سال جوانی‏ و عمر خود را در راه دانش فلسفه اروپا گذرانده و مدتها با افکار فلاسفهء بزرگ آلمان بویژه‏ کانت سرگرم بوده است.

مقدمهء استادانه پروفسور بونئو استاد دانشگاه توبینگن که نویسنده محترم-کتاب‏ خود را باو تقدیم داشته است در عین اختصار جهان پهناوری از فلسفه وجود را در برابر چشم‏ خواننده میگستراند.باعتقاد این محقق دانشمند فلسفه وجود معنی‏دارترین‏ کار فلسفی است که آلمان در قرن بیستم انجام داده‏اند.

همه میدانند که پیدایش این فلسفه معلول فشارهای توان‏سوز و طاقت‏فرسائی بود که نبرد جهانی اخیر بآلمان وارد آورد و بسیاری از اندیشه‏های نو و آداب و رسوم تازه‏ای‏ را پدیدار کرد.قافله‏سالاران این مکتب جدید فلسفی در دوره‏ای که به(دوران ترس و وحشت)نامیده میشود بمنظور پیشگیری از حوادث ناگوار براساس(خطرهای اصلی وابسته‏ بوجود انسان)و نیز بر پایهء(نیازمندیهای زندگی بشری)شالده فلسفه جدیدی را بنیان‏ گذاردند و در این کشمکش‏ها بوضع و حالتی که در اصطلاح خود آنان (Existense) نامگذاری‏ شده است بتأسیس یک ایستگاه مجدد فکری توفیق یافتند.این فلسفه سالها بعد بدنیای‏ خارج سرایت کرد و اولین بار فکر تیزبین فیلسوفان فرانسه را بخود مشغول داشت.تردیدی‏ نیست که جهان فراخ با تأسیس این ایستگاه جدید(فلسفهء وجود)نمیتواند کار خود را بپایان‏ رسیده تلقی کند و رسالت خود را انجام گرفته انگارد یعنی فلسفه وجود آخرین نقطه تحقیقاتی‏ نیست بلکه هدف فلسفه درهم شکستن دیوارهای وجود خالص و ترتیب دادن یک زندگی‏ معنی‏دارتری برای جهان بشریت است فلسفه وجود باصطلاح بونئود وازه‏ای است‏ که کاوشگران و محققان فلسفه برای رسیدن بهدف نهائی ناگزیر از عبور و پشت سر گذاردن آن هستند در بحث‏های کوتاهی که نویسنده فاضل این کتاب بعنوان‏ مقدمه و پیش‏گفتار بمیان آورده است مسیر حرکت فلسفه و جای‏های رهرون تیزهوشی که‏ که این‏جادهء ناهموار را گذرانده و بسر منزل فلسفه وجود رسیده‏اند نشان میدهد و از خدمت‏ ارزنده‏ای که دانش جهانگیر فلسفه برای خدمت به بشریت انجام داده و همچنین تأثیری که‏ فلسفه بر روی هنر بمعنی عام کلمه گذارده است بدرستی یاد میکند و بالاخره نیاز اجتناب‏ناپذیر جامعه بشری را بوجود فلسفه توضیح داده است.

در گفتار اول تاریخچه پیدایش فلسفه وجود را که ابتدا بوسیلهء کیرکگار دانمارکی‏ (1855-1804)پایه‏گذاری شد و بعد از نیم قرن بوسیله پسرش متولد 1883 وهایدگر متولد 1889 فیلسوفان فعلی آلمان تجدید حیات نموده تشریح کرده است پس آنگاه بشرح‏ حال و شیوهء افکار و سیستم‏های فلسفی و شباهت و تقابل و تضاد افکار فلاسفه با یکدیگر اشاراتی‏ کرده و بروشن کردن بسیاری از اصطلاحات ویژه فلسفه وجود همت گماشته است مخصوصا درباره ژان پل‏سارتر معروف که در اوائل قرن بیستم(1905)در پاریس متولد شده و پس از تحمل زجر و شکنجه‏های فراوانی که در زندان یا باصطلاح امروزی این مرزوبوم(ندامتگاه‏ آلمانها باستادی دانشگاه رسیده شرح گویا و مبسوطی نگاشته است.

تا آنجا که من بنده را آگاهی است ترجمه‏ای از کتاب اگزیستانسیالیزم(اصالت‏ بشر)از سارتر وسیله گزارنده دانشور دکتر مصطفی رحیمی انتشار یافته و با وجود اختصار گویای مطالب جامعی از عقاید فیلسوف معاصر میباشد درصورتیکه دکتر الهی معتقد است‏ سارتر افکار فلسفی خود را در لباس نمایشنامه و رمان بیان داشته و آثارش فاقد عمق علمی‏ و فلسفی است و همین سطحی بودن این آثار مفسران و مترجمان را بانحراف از درک حقایق‏ فلسفی او هدایت کرده است درصورتیکه استنباط من از ترجمه کتاب سارتر اینست که او معتقد است بشر بحکم آنکه آزاد خلق شده در تعیین سرنوشت خویش مختار میباشد بنابراین نیازی‏ به ترس-آز-بیم و امید ندارد که اعمال خود را با موازین اخلاق انجام دهد او عقیده دکارت‏ را که گفته است(من فکر میکنم پس وجود دارم)دنبال میکند اعتقاد دارد نفس انسانی منشأ و منبع تمام موجودات است و حتی نفس انسانی منشأ اموری است که علم اخلاق آنها را در حوزه قلمرو خود طبقه‏بندی کرده است یعنی هرچه هست در خود انسان است توجه اینکه‏ رهبر خردمند عالم تشیع قرنها پیش گفته است:

(درد از تست و نمی‏بینی و دارو از تست و نمی‏دانی)و یادآوری این شعر

ای آنکه طلبکار خدائی بخود آ از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا اول بخود آ چون بخود آئی بخدا اقرار نمائی بخدائی خدا

با تمام آنکه از لحاظ مایه شعری سست بنظر میرسد ضرور است.اگر استنباط من‏ درست باشد او بوجود خدایی قائل نیست که مددکار درماندگان باشد و چراغی فرا راه گمشدگان‏ راه تاریک حیات برافروزد و همین بی‏پناهی و احساس تنهائی است که در جهان آدمی دلهره‏ وحشت و اضطراب را میافریند عقیده داستایوسکی بذهن میرسد که گفته است(اگر واجب الوجود نباشد هر کار مجاز است)سارتر تلویحا نظر مشهور کانت را که گفته است(عملت باید طوری‏ باشد که بتواند برای همه دستور اخلاقی قرار گیرد با تغییر عبارت باینصورت عنوان میکند (عمل تو باید چنان باشد که اگر همه بهمان نحو عمل کنند زندگی بشر مختل نشود)سخن‏ کوتاه دکتر الهی در رهگذر شناساندن مشرب فلسفی طرفداران فلسفه وجود بنام تنی چند از متفکران معاصر مانند-مارسل نیچه و نظائر آنان اشارتی کرده و کتب پرارج خود را با عبارت مؤدبانه‏ای که ویژه محققان کم‏ادعا میباشد در کمال تواضع و ادب پایان بخشیده‏ است او در پایان صفحه 205 پیش از ذکر منابع مهم این کتاب بزبانهای آلمانی-انگلیسی- فرانسه و ذکر آثار و تألیفات فلاسفه‏ای که شرح حال آنان در متن آمده است چنین می‏نویسد:

(امید است که ارباب خرد و صاحبان فضیلت بر کمی‏های این دفتر،که بسیاری از آنها از دیده نگارنده هم پوشیده نیست خرده نگیرند چه پیداست که آغاز هر کاری خامیها و ناتمامیها خواهد داشت و این بنده که جسارت نشر نظریات و اندیشه‏هائی را داشته است‏ قطعا پایداری توجه بایرادات و انتقادات بجا را خواهد داشت).